



مطالعه‌ای روی فساد اقتصادی و بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر صادرات صنعتی و تأثیر مثبت صادرات کالا بر رشد اقتصادی

علیرضا محمودی فرد^a، ملیکا زینی پیروز^b
^a دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
^b دانشجوی کارشناسی، دانشکده مهندسی صنایع، موسسه ابرار، تهران، ایران

چکیده: در خصوص اینکه مباحث اقتصادی جزو مهم‌ترین مطالب قابل بررسی است، شکی وجود ندارد؛ فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. شناخت همه‌جانبه این عوامل مهم، از پیش‌نیازهای مبارزه جدی و عملی با فساد مالی است؛ همچنین اهمیت صادرات غیر نفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، همواره به‌عنوان یکی از موضوعات مهم اقتصادی مطرح بوده است؛ گسترش صادرات سبب دسترسی به بازارهای خارجی، افزایش تولید و دستیابی به رشد مستمر اقتصادی می‌شود؛ بررسی روند حرکت اقتصادی جهانی، نشان‌دهنده این می‌باشد که سهم صادرات کالاها صنعتی در جهان، در حال افزایش است؛ بنابراین توجه به نقش صادرات کالاها صنعتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ فساد اقتصادی می‌تواند از راه افزایش هزینه تولید، کاهش نوآوری و رقابت، کاهش سرمایه‌های انسانی بر صادرات انواع کالاها صنعتی که در واقع عوامل قوی رشد اقتصادی هستند، اثرات بسیار منفی و بدی داشته باشند؛ در مدت‌زمان کوتاه برای کشورهای در حال توسعه (همچون کشور ایران) با تورم بسیار بالا، فساد اقتصادی و تورم می‌تواند تأثیر نامطلوب شدیدی بر صادرات داشته باشد و درجه باز بودن اقتصاد و انباشته کردن سرمایه انسانی با صادرات صنعتی رابطه مستقیم و مثبتی دارد؛ در مدت‌زمان کوتاه و بلند برای کشورهای در حال توسعه با میزان تورم بالا، مقدار تأثیرگذاری فساد و تورم بر روی صادرات نسبت به کشورهای در حال توسعه که تورم کمتری دارند، بیشتر می‌باشد؛ از این‌رو هدف این مقاله، بررسی تأثیر صادرات کالاها صنعتی بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۰ بر مبنای مطالعه منابع معتبری می‌باشد؛ به این منظور، از مقاله‌ای که روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در آن استفاده شده بود، مورد بررسی قرار گرفته است؛ نتایج مقاله مربوطه نشان‌دهنده این موضوع است که رابطه معناداری بین صادرات کالاها صنعتی و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد.

کلمات کلیدی: رشد اقتصادی، ایران، OLS، صادرات غیرنفتی، سرمایه انسانی، فساد اقتصادی، فساد مالی

A study on economic corruption and investigating the effect of economic corruption on industrial exports and the positive effect of goods exports on economic growth

1. Alireza Mahmoodi Fard, alireza10.m10@gmail.com
2. Melika Zeyni Pirooz, melika.zeynipirooz@gmail.com

۱. مقدمه

مباحث اقتصادی و تجاری همیشه حائز اهمیت فراوانی بوده‌اند؛ سیاست گسترش تجارت بین‌الملل و توسعه صادرات، از دیرباز مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اکثر کشورهای جهان بوده و یکی از ارکان مهم برنامه‌ریزی را به خود اختصاص داده است [۱ و ۲]؛ بی‌شک کشوری که اقتصاد آن محور تک‌محصولی باشد، در تحولات اقتصادی یا بحران‌های اقتصادی، بیشتر در معرض خطر است و در این بحران‌ها و تحولات، ضربه‌پذیرتر خواهد بود؛ رهایی از اقتصاد تک-محصولی و ایجاد تنوع در اقلام صادرات و به‌طور مخصوص، توسعه صادرات فرآورده‌های صنعتی، از ضرورت‌های خاص نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌شمار می-آید.



رود [۲] و [۳]؛ اهمیت صادرات در فرآیند رشد اقتصادی، بر هیچ کس پوشیده نیست؛ رشد اقتصادی بالا، به این دلیل که راه حل بسیاری از معضلات اقتصادی از جمله فقر، بیکاری، تورم و توزیع نامناسب درآمدها تلقی می‌گردد، به‌عنوان یک هدف سیاسی مهم، مورد نظر دولت‌ها بوده و اهمیت این شاخص به اندازه‌ای است که امروزه به‌عنوان نشانه‌ای از قدرت کشورها تلقی می‌شود؛ دست‌یابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر، متضمن به‌کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی است که یکی از بخش‌های اصلی این سیاست‌ها، عکس‌های تجاری تشکیل می‌دهد [۳] و [۴]. در این نوشتار، محور و تمرکز بحث، بررسی اثر صادرات کالاهای صنعتی بر رشد اقتصادی در ایران بر مبنای مراجع مطلوبی است که مکرراً به مقالات پایه، مرجع‌دهی شده است [۳۲ و ۳۳].

فساد مالی در اقتصاد، عبارت است از به‌دست آوردن ثروت از راه‌هایی که در شرع مقدس اسلام و هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی که ممنوع شده باشد؛ در صورتی که این مساله بین مردم و کارگزاران نظام شیوع پیدا کند، به‌عنوان یک معضل اجتماعی و سیاسی بزرگ مطرح خواهد بود. از شاخص‌های فساد مالی می‌توان به شاخص مفهومی فساد مالی، شاخص شهرنشینی، شاخص کارمندان، شاخص بودجه و شاخص صنعتی اشاره نمود؛ از آثار فساد مالی بر متغیرهای اقتصادی می‌توان تخصیص منابع به‌صورت غیرکارآ، توزیع نابرابر درآمد و افزایش نابرابری، تولید غیرکارآ و از بین رفتن انگیزه، توجه کمتر به خدمات عمومی، تحمیل هزینه‌های زیاد بر جامعه، تغییر فرهنگ اقتصادی، گسترش فقر و غیره را برشمرد [۳۷].

کلمه "فساد" از ریشه "فسد" بوده که به‌معنی تباہ کردن، به ستم مال کسی را گرفتن و جلوگیری کردن از انجام اعمال درست است [۳۸]؛ فساد در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» مطرح است، که به‌معنای شکستن و نقض کردن است؛ چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد [۳۹]. پس فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد؛ اما در اصطلاح، به هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیرقانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی اطلاق می‌شود؛ که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر است [۴۰].

فساد مالی، پدیده‌ای پیچیده، چند بُعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در موقعیت‌های مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد؛ فساد مالی، گاهی به‌فرمت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به‌صورت مساله‌ای فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت نظام را به‌خطر بیندازد [۴۱]؛ گرچه شکلی که فساد مالی به خود گرفته در طول تاریخ و از یک قوم به قوم دیگر تغییر یافته است؛ اما هم در نظام‌های حکومتی سلطه‌طلب و هم در نظام‌های حکومتی دموکراتیک، بیماری بزرگ و شایعی به‌شمار می‌آید که افزایش‌های چشم‌گیری در بروز آن غالباً با تغییر ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی ملازمه دارد [۴۲].

۲. متن بررسی

۱.۲. ریشه‌ها

فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. شناخت همه‌جانبه این عوامل مهم، از پیش‌نیازهای مبارزه جدی و عملی با فساد مالی است؛ بررسی علل و عوامل فساد مالی در علم اقتصاد، به حدود نیم قرن پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که اقتصاددانان موضوع رانت‌جویی را مطرح کردند و فعالیت‌های رانت‌جویی غیر قانونی، فساد مالی نامیده شد [۴۳]؛ البته ریشه‌های مفاسد مالی و اقتصادی که معمولاً در همه‌جا یکسان است، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منافع بین گروه‌های مختلف است؛ با پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سومی، موفق به کسب استقلال سیاسی شدند؛ در کشورهای در حال گذار اقتصادی (از اقتصاد بسته و دستوری به اقتصاد بازار آزاد) فرصت‌های بی‌شماری برای دستیابی به سودهای کلان و ثروت‌های بادآورده (رانت‌های مختلف) ایجاد شده و شبکه‌های فساد سازمان‌یافته سابق جای خود را به شبکه‌های فساد آشفته داده است؛ ایجاد زمینه برای سودهای کلان و ثروت‌های بادآورده بر اثر سوء استفاده از قوانین و مقررات دولتی، خود بستر مناسبی برای رشد فساد مالی و اقتصادی فراهم کرده است. با تفویض اختیار تخصیص و تقسیم این منابع به مقامات و ماموران دولتی، بازار فساد و رشوه رونق می‌یابد؛ شیوع فساد مالی در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به اقتصاد بازار آزاد نیز به‌علت فراهم بودن زمینه برای فساد مالی در این کشورها است؛ علاوه بر اینکه انگیزه



قوی کسب منافع و فقر و دستمزدهای ناچیز دولتی ریسک در همه موارد (مانند بیماری حوادث و اشتغال) در این کشورها بالاست و مردم عموماً بسیاری از مکانیسم‌های مقابله با ریسک موجود در کشورهای توسعه‌یافته (از جمله بیمه و یک بازار کار وسیع) محروم هستند [۴۴].

۲.۲. شاخص‌ها

شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری میزان شیوع پدیده فساد مالی در یک جامعه مطرح شده‌است [۴۵]؛ چند شاخص مهم عبارتند از:

➤ شاخص مفهومی

جامع‌ترین شاخص کمی موجود در پژوهش کشوری که با استفاده از آن، وضعیت هر کشور را می‌توان به‌طور جداگانه بررسی کرد، شاخص مفهومی است؛ این شاخص به‌وسیله گروهی از پژوهشگران دانشگاه گوتینگن (Göttingen) تدوین شده است و میزان پذیرش رشوه، پرداخت‌های غیرقانونی در قراردادهای عمومی، اختلاس پول و سرمایه عمومی و انجام جرائم مشابه توسط مقام‌های سیاسی و دولتمردان را ارزیابی می‌کند. در این شاخص، کشورها بر اساس یک مقیاس، برحسب سطح مفهومی فساد مالی، از ۱۰ تا صفر رتبه‌بندی شده‌اند؛ نمره ۱۰ نمایان‌گر کشوری است که عاری از هرگونه فساد مالی است و نمره صفر نشان‌دهنده کشوری با فساد کامل است [۴۶].

➤ شاخص شهرنشینی

افزایش شهرنشینی به‌دنبال خود، افزایش دیوان‌سالاری (بوروکراسی) را به‌همراه دارد؛ در این صورت، کارمندان فاسد می‌توانند با عملکردهای مختلفی زمینه را برای اخاذی و گرفتن رشوه از مراجعان فراهم کنند و ارباب‌رجوع نیز برای این‌که از این رابطه استفاده نماید، متوسل به دادن رشوه می‌شود. در یک بررسی به‌عمل آمده با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی، ضریب شهرنشینی در توزیع اختلاس و ارتشا (فساد مالی) مثبت و با اطمینان ۹۷٪، قابل قبول است؛ یعنی با ۹۷٪ اطمینان می‌توان مدعی شد که شهرنشینی و گسترش آن، به فساد مالی بیشتر و گسترده‌تر می‌انجامد.

➤ شاخص کارمندان

شاخص کارمندان، تعداد کارمندان به تعداد ارباب‌رجوع تعریف می‌شود؛ در بررسی به‌عمل آمده، این ضریب با علامت منفی معنی‌دار ظاهر شده و علت منفی بودن آن، این است که با تعداد ارباب‌رجوع مشخص، اگر تعداد کارمندان کم شود، فساد مالی گسترده‌تری پیدا می‌کند و رسیدگی به درخواست‌های ارباب‌رجوع متضمن صرف وقت بیشتر و اخاذی از سوی کارمندان است؛ در این میان با توجه به این قضیه، افرادی که دارای روابط قوی‌تر و تمکن مالی هستند، کارهای خود را سریع‌تر می‌توانند انجام دهند.

➤ شاخص بودجه

شاخص بودجه، میزان بودجه جاری و عمرانی استانی به تعداد کارمندان شاغل در استان تعریف می‌شود؛ در بررسی به‌عمل آمده، با افزایش بودجه سرانه کارمندان و کارمندان شاغل، تعداد پرونده‌های مفاسد مالی نیز زیاد می‌شود؛ در واقع هرچقدر بودجه سرانه‌ای که در اختیار کارمند است، افزایش یابد، انگیزه وی برای سوء استفاده مالی نیز افزایش خواهد یافت. واضح است سازمان‌هایی که از بودجه بیشتری بهره‌مند هستند، تعداد پرونده‌های اختلاس و ارتشای بیشتری دارند؛ که البته این پرونده‌ها و فعالیت‌های فسادآلود، بیشتر در خریدهای خارجی، خریدهای کلان و قراردادهای مقاطعه‌کاری و مناقصه‌ها صورت می‌گیرد.

➤ شاخص صنعتی

شاخص صنعتی، تعداد واحدهای صنعتی به جمعیت تعریف می‌شود؛ متقاضیان واحدهای صنعتی برای تسریع در دریافت مجوز برای شروع فعالیت‌های خود، مجبور به انجام کارها و اقداماتی می‌شوند که از مصادیق فساد مالی هستند.

این مواردی که تحت‌عنوان شاخص‌های فساد مالی بیان شد، همه شاخص‌های معرف پدیده و معضل فساد مالی نیستند و می‌توان به مواردی از قبیل میزان حقوق و مزایای کارکنان، وجود قوانین صریح و مقررات شفاف، وجود نهادهای نظارتی دولتی، مردم و غیره، به‌عنوان شاخص‌هایی که فساد مالی را اندازه‌گیری و تبیین می‌کنند، اشاره نمود.

۲.۲. آثار



آثار فساد مالی بر متغیرهای اقتصادی عبارتند از:

❖ تخصیص منابع به صورت غیر کارآ

فساد مالی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند؛ زیرا توان دولت برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کم می‌کند؛ در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در بانک‌ها بیمارستان‌ها، مراکز توزیع مواد غذایی، سیستم حمل و نقل بازارهای مالی و مانند آن ایفا کند، بدون شک بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد؛ از طرف دیگر، چنانچه دولت یا دولت‌مردان برای سوء استفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند (مانند ایجاد انحصارات دوانی برای منافع شخصی) خود به خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود [۴۷].

❖ توزیع نابرابر درآمد و افزایش نابرابری

فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد؛ فساد مالی نابرابری در درآمدها را نیز زیاد می‌کند؛ زیرا به افرادی که موقعیت مناسبی برای سوء استفاده و رشوه‌خواری دارند، امکان می‌دهد به قیمت ضایع کردن حقوق دیگران، به تامین منافع خود بپردازند؛ شواهد و مدارک محکم نشان می‌دهد که بخشی از تغییرات توزیع درآمد در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهایی که پیش از این دارای اقتصاد متمرکز بوده‌اند، ناشی از خلاف قانون و مفسداتی نظیر خصوصی‌سازی است [۴۸].

❖ تولید غیر کارآ و از بین رفتن انگیزه

فساد، موجب از بین رفتن انگیزه می‌شود؛ زیرا که افراد توانمند و خلاق در فضایی که فساد مالی زیاد باشد، ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و موثر روی آورند؛ به عبارت دیگر، استعدادهای درخشان و کارآفرین، به سمت کارهای غیرتولیدی و نامولد سوق پیدا می‌کند و مدیران سازمان نیز به فعالیت‌هایی بها می‌دهند که عایدی‌های کلانی برای آن‌ها داشته باشد [۴۹].

❖ توجه کمتر به خدمات عمومی

فساد مالی باعث می‌شود ترکیب مخارج دولت عوض شود؛ چون دولت‌های فاسد برای خدمات عمومی نظیر آموزش و پرورش و بهداشت، کمتر هزینه می‌کنند و بیش‌تر سرمایه‌گذاری دولت به سمت فعالیت‌هایی سوق می‌یابد که پیچیده و پر هزینه بوده و کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ این امر باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی و تعمیر و نگهداری نیز خواهد شد؛ مطالعات در این مورد نشان داده است که اگر کشوری درجه فساد خود را از شش به هشت برساند، مخارج آموزشی‌اش به میزان 1/2 درصد افزایش می‌یابد [۵۰].

❖ تحمیل هزینه‌های زیاد بر جامعه

فساد به صورت مالی اختیاری (با هزینه‌های رفاهی زیاد) عمل می‌کند؛ در مواردی که فساد مالی به صورت متمرکز صورت نمی‌گیرد، ماهیت اتفاقی و تصادفی آن باعث می‌شود هزینه‌های فراوانی بر جامعه تحمیل شود؛ زیرا هزینه‌های جستجو و پیدا کردن فرد و یا افراد رشوه‌گیر نیز به هزینه‌های مذاکره و رشوه پرداخت‌شده افزوده می‌شود؛ وقتی فساد به صورت متمرکز نباشد، ممکن است تعهدهایی که با پرداخت رشوه حاصل شده است، تحقق پیدا نکند [۵۱].

❖ عدم انجام وظایف به صورت درست

فساد موجب کاهش یا اختلال نقش دولت (مانند اجرای قراردادها حمایت از حقوق مالکیت‌ها و غیره) می‌شود؛ زمانی که افراد خارج از تعهد خود عمل کنند یا عملی غیر از آنچه در قراردادها ذکر شده، انجام دهند یا به دلیل وجود فساد مالی از حقوق مالکیت خود سوء استفاده کنند، در واقع یکی از نقش‌های اصلی دولت مخدوش شده است [۵۲].

❖ از بین رفتن مردم‌سالاری

فساد، قانون‌مندی اقتصاد بازار و در برخی موارد حقانیت مردم‌سالاری را زیر سوال می‌برد؛ در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال گذار، معمولاً از مردم‌سالاری و اقتصاد بازار، انتقادی شده است که اکثر آن‌ها به دلیل وجود فساد مالی بوده است؛ لذا می‌توان گفت که فساد مالی حرکت به سوی مردم‌سالاری و اقتصاد بازار را کند و حتی متوقف می‌سازد [۵۳].



❖ گسترش فقر

فساد، باعث افزایش فقر و بدبختی شده و سطح درآمد فقرا را کاهش می‌دهد.

❖ کاهش درآمد مالیاتی دولت

فساد مالی، موجب کاهش درآمدهای مالی دولت می‌شود؛ زیرا بر اداره‌های مالیات و گمرک اثر مستقیم دارد؛ لذا دولت نمی‌تواند با درآمد ناکافی از عهده هزینه‌های عمومی برآید [۵۴].

❖ تغییر فرهنگ اقتصادی

فساد، الگوی مصرفی جامعه را از مصرف کالاهای داخلی به سمت مصرف کالاهای خارجی و لوکس تغییر جهت می‌دهد؛ زیرا ترکیب هزینه‌های مصرفی نشان می‌دهد که مصرف در سطح وسیعی، تحت‌تاثیر و کنترل و افزایش مصرف اقشار پردرآمد و ثروتمند جامعه است؛ الگوی توزیع نابرابر درآمد، منجر به الگوی مصرفی نامتعادل می‌شود؛ همچنین در جامعه‌ای که فساد و مصادیق آن گسترش یافته باشد، استعدادها و توانمندی‌های جامعه، از تولیدات مفید و زیربنایی روی برگردانده و به سمت فعالیت‌ها و تولیدات زودبازده و مصرفی معطوف می‌شود و این خود جامعه‌ای مصرفی و وابسته را شکل داده و گسترش می‌دهد؛ نتیجه این نابسامانی‌ها، تغییر الگوی مصرفی و به‌نوعی تغییر فرهنگ اقتصادی در جامعه خواهد بود [۵۵].

❖ کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری مردم

فساد مالی موجب می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش یابد؛ این کاهش انگیزه، هم بر سرمایه‌گذاری خارجی و هم داخلی اثر خواهد داشت؛ علت اصلی کاهش سرمایه‌گذاری، ناشی از هزینه‌های سنگین و عدم اطمینانی است که فساد مالی ایجاد می‌کند و کاهش نرخ رشد اقتصادی نتیجه مستقیم کاهش سرمایه‌گذاری است؛ از طرف دیگر، اعمال فساد برای به‌دست آوردن مجوزهای سرمایه‌گذاری، انگیزه سرمایه‌گذاری را کم خواهد کرد و سودآوری تولیدی کاهش می‌یابد؛ همچنین زمانی که منافع عمومی که برای ساختن زیربناهای تقویت‌کننده تولید و زیرساخت‌های اقتصادی در نظر گرفته شده، به مصارف خصوصی مدیران، سیاستمداران و مسئولین برسد، باعث خواهد شد که کارآفرینی کم شده و فعالیت‌های رانت‌جویانه گسترش یابند و این به نوبه خود، بر رشد اقتصادی نیز اثر منفی خواهد گذاشت [۵۶].

❖ تاثیر منفی بر رشد اقتصادی

فساد مالی نه تنها بر کارایی اقتصادی و تخصیص منافع و توزیع درآمدها و همچنین سرمایه‌گذاری، اثری منفی دارد، بلکه در مجموع می‌توان مدعی شد که تاثیرات زیانباری هم بر رشد اقتصادی دارد؛ تحقیقات زیادی در مورد کشورهای جهان صورت گرفته است که نشان می‌دهند فساد مالی در بلندمدت اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد [۵۷].

۴.۲. مبانی نظری

مبانی نظری صادرات کالاها و خدمات، نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارد؛ با رونق گرفتن تجارت، همه کشورهای دنیا تلاش می‌کنند که با اتخاذ سیاست‌های مناسب، این موتور اقتصادی را فعال‌تر نمایند؛ بنابراین، رقابت در عرصه تجارت افزایش یافته که در این میان، کشورهایی که دارای یک استراتژی مشخص و دورنمایی از صادرات محصولات خود بوده‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ در این خصوص، منافع صادرات همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است؛ نظریه استوارت میل در منافع صادرات با وجود این که در قرن ۱۹ میلادی عنوان شده است، هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده است و مورد توجه می‌باشد [۳۲ و ۳۶].

۵.۲. تشریح مدل

در این بخش، به بررسی اثر صادرات صنعتی بر رشد اقتصادی در ایران در خلال سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰ بر مبنای مقالات پایه پرداخته می‌شود؛ داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی، موجودی سرمایه، جمعیت و صادرات کالاهای صنعتی، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و داده‌های مربوط به اشتغال، از بانک مرکزی جهانی، توسط محققین مقالات مبنا، استخراج گردیده است؛ همچنین این مقالات، در برآورد الگوی اقتصادسنجی، از سیستم نرم‌افزاری Eviews و روش

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کمیته اجرایی انجمن آمار ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

حداقل مربعات استفاده کرده‌اند؛ مدل مورد استفاده در این پژوهش که بر گرفته از مدل Nikolas Dritsakis است، به صورت رابطه (۱) می‌باشد [۱ و ۳۲ و ۳۳]:

$$RGDP = a_1RK + a_2RL + a_3RMX + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن:

RGDP: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)

RK: نرخ رشد موجودی سرمایه خالص به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)

RL: نرخ رشد اشتغال به کل جمعیت (درصد)

RMX: نرخ رشد صادرات صنعتی (درصد)

ε_t : جزء اختلال مدل

در بخش تجارت خارجی، سهم صادرات صنعتی در صادرات کل، به‌عنوان یکی از متغیرهای ساختار اقتصادی شناخته شده است، به طوری که سیر کوبین (۱۹۸۶) افزایش سهم صادرات صنعتی در صادرات کل را یکی از نشانه‌های جریان صنعتی شدن اقتصاد می‌داند [۵ و ۷]؛ صادرات بیشتر گروه‌های کالاهای صنعتی در ایران، از رتبه نامناسبی برخوردار است [۳۲ و ۳۳]؛ این موضوع، به دو دلیل قابل توجیه است؛ نخست، اینکه تولید کالاهای صنعتی مستلزم استفاده از تجهیزات سرمایه‌ای و قطعات یدکی وارداتی بوده و در ایران واردات کالاها تا حدود زیادی به درآمد صادراتی نفت بستگی دارد و با نوسان قیمت نفت، واردات مواد اولیه و سرمایه‌ای و در نتیجه تولید و صادرات کالاهای صنعتی، تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد؛ دوم، صادرات کالاهای صنعتی مستلزم وجود تجربه بازاریابی این کالاها در بازارهای جدید بوده که لزوماً کشور ما دارای چنین قابلیت‌هایی نمی‌باشد [۶ و ۸ و ۳۲].

۶.۲. بررسی یافته‌های تحقیق آزمون‌های اقتصادسنجی هم‌خطی

در اینجا به بررسی هم‌خطی متغیرها پرداخته می‌شود؛ اگر متغیرها دارای هم‌خطی شدید باشند، در Eviews در محاسبه تخمین رگرسیون دچار مشکل خواهد شد و در صورت وجود هم‌خطی کامل، تخمین حداقل مربعات امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ یکی از روش‌های موجود جهت‌شناسی هم‌خطی، استفاده از ضرایب همبستگی است، به‌صورتی که وجود ضرایب بزرگ همبستگی بین متغیرهای توضیحی، نشان‌گر وجود هم‌خطی می‌باشد [۹ و ۳۲ و ۳۳]؛ بررسی وضعیت هم‌خطی متغیرهای توضیحی معادله برآورد شده در جدول (۱) گزارش شده است؛ نتایج نشان‌دهنده این موضوع هستند که میان این متغیرها، هم‌خطی از نوع شدید وجود ندارد.

جدول ۱. بررسی هم‌خطی متغیرهای توضیحی [۱۰ و ۳۲]

	RK	RL	RMX
RK	۱	۰,۲۷	-۰,۲۵
RL	۰,۲۷	۱	۰,۲۹
RMX	-۰,۲۵	۰,۲۹	۱

۷.۲. آزمون ریشه واحد

برای اینکه ایستایی در سری‌های مورد استفاده در یک مدل، موجب استنباط‌های غلط آماری و در نتیجه رگرسیون کاذب نشود، ابتدا ایستایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به این منظور در مقالات مرجع، از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته استفاده شده است؛ این آزمون، در نرم‌افزار EViews انجام شده است؛ نتایج آزمون واحد ریشه واحد برای متغیرها در جدول ۲، گزارش داده شده است؛ نتایج این آزمون، نشان می‌دهد که تمام متغیرها در سطح ایستا می‌باشند [۳۲ و ۳۳].

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته در سطح [۳۲]

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کمیته ملی اقتصاد و صنایع

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

نام متغیر	ADF	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد	نتیجه
RGDP	-۳,۳۸	-۱,۹۵	ایستا
RK	-۳,۰۸	-۱,۹۵	ایستا
RL	-۳,۷۴	-۱,۹۵	ایستا
RMX	-۳,۶۴	-۱,۹۵	ایستا

۸.۲. فساد و میزان آزادی در اقتصاد ایران

صنعتی شدن و توسعه اقتصادی بدون وجود آزادی تجاری، امری غیرممکن می‌باشد؛ بیشتر مطالعات انجام شده نشان‌دهنده این موضوع است که میان رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ فساد اقتصادی، توسط کاهش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز افزایش موانع تجاری می‌تواند جهانی شدن را نیز تحت‌تاثیر قرار دهد [۳۲ و ۳۳]؛ فساد اقتصادی در کشورها ایجاد ناامنی کرده و همچنین موجب افزایش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری شده و منافع منفی مانند صرفه‌جویی نسبت به مقیاس، کاهش مقیاس میزان تولید اقتصادی، کم‌شدن میزان انگیزه اقتصادی برای بهبود تکنولوژی و فناوری را کم خواهد کرد [۱۱ و ۱۳]؛ بنابراین فساد می‌تواند از این راه سبب کاهش میزان صادرات صنعتی در اقتصاد شود؛ دیوت و ترسا با بررسی ۹۰ کشور در طی یک دوره در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۰ نشان داده‌اند که رابطه میان فساد و جریان تجارت تاثیر گرفته از مقدار تعرفه‌هاست؛ چنانچه سطح تعرفه‌ها بالا باد، اثرگذاری فساد بر تجارت به شکل U معکوس خواهد شد [۱۴ و ۳۲ و ۳۳]؛ در نتیجه اگر سطح فساد کم باشد، با افزایش یافتن فساد، جریان تجارت گسترش پیدا می‌کند؛ بالطبع اگر سطح اولیه فساد زیاد باشد، با زیاد شدن مقدار فساد جریان تجارت نیز کم خواهد شد [۱۵ و ۱۱ و ۳۲].

تجربه کشورهای موفق در امر از بین بردن فساد و توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که تجارت خارجی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در فرآیند توسعه این کشورها ایفا کرده و به‌طور قطع می‌توان گفت که هیچ کشور توسعه‌یافته و تازه صنعتی شده‌ای را نمی‌توان یافت که بدون توسعه تجارت و تکیه بر صادرات خود به این امر نائل شده باشد؛ با اتخاذ سیاست توسعه تجارت و تشویق صادرات، تخصیص منابع عمدتاً بر اساس مزیت‌های نسبی صورت می‌گیرد و این خود به بهره‌برداری بهینه از امکانات و منابع تولید منتهی می‌شود؛ با تقسیم کار، هزینه تولید کاهش می‌یابد و سود ناشی از آن تمامی طرف‌های تجاری را منتفع می‌سازد؛ درحالی‌که با بستن مرزها و اجتناب از ورود فعال به بازارهای جهانی، تخصیص منابع به‌ندرت بهینه خواهد بود و ضایعات منابع و تولید نیز بالطبع بالا خواهد رفت [۳۴ و ۳۵]؛ سیاست‌های آزادسازی تجاری بر ساختار کل اقتصاد اثرگذار است؛ از آن جا که میزان تاثیرپذیری هر یک از متغیرهای کلان اقتصادی از اجرای آزادسازی تجاری بستگی به درجه وابستگی متقابل اقتصاد داخلی و اقتصاد جهانی دارد، به همین دلیل تعیین جهت و نیز میزان تاثیر این متغیرها بر یکدیگر می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های کارآمد، مفید واقع شود [۳۴].

۹.۲. تاثیر فساد بر نوآوری

نوآوری یکی از عوامل موثر بر رشد صادرات صنعتی به‌خصوص در صنایعی که دارای تکنولوژی بالا هستند و عامل مهم رقابت در بازارهای مختلف جهانی است که بنگاه‌ها می‌توانند از راه نوآوری و به‌روزرسانی میزان سهم خود را از بازار افزایش دهند؛ فساد می‌تواند سبب افزایش میزان خطر و ناطمینانی در بازار شده و به‌نوعی می‌توان گفت که کارآفرین را از فعالیت خود دور می‌کند؛ فساد را می‌توان نوعی مالیات سنگین برای فرد کارآفرین دانست؛ بلک برن و فورجیوس مدلی را ارائه می‌دهند که میزان تاثیر فساد بر نوآوری را نمایش می‌دهد؛ در صورت رواج فساد دولت ممکن است در ازای هر مرحله از تحقیق و توسعه، بنگاهی که نیاز به مجوز دارد، رشوه بگیرد [۳۲ و ۳۳]؛ در این صورت بنگاه (کارآفرین) ممکن است که هزینه‌های پرداختی نسبت به دریافت مجوز را بیشتر از فایده ناشی از تحقیق و توسعه بداند و به‌طور کل فعالیت‌های خود را تعطیل نماید و یا در اثر دریافت سود بسیار کم حاصل از فعالیت خود به‌طور کلی از بازار خارج شود [۱۵ و ۳۲]؛ ازسوی دیگر می‌توان گفت که بنگاه برای صادرات ایده تولیدی خود نیازمند مجوز می‌باشد که این مجوز با رواج یافتن فساد ممکن است اولاً سود حاصله از صادرات ایده کاهش پیدا کند؛ ثانیاً با تاخیر در دریافت مجوز به‌منظور صادرات، اختراع ایده خود به‌دلیل اختراع در محل دیگری چندان فایده‌ای نداشته باشد [۳۲ و ۳۳].

۳. نتیجه‌گیری

مباحث اقتصادی، جزو اساسی‌ترین و تاثیرگذارترین مباحث ممکن هستند؛ فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. شناخت همه‌جانبه این عوامل مهم، از پیش‌نیازهای مبارزه جدی و عملی با فساد مالی است؛ در این بین یکی از مهم‌ترین مباحث در اقتصاد ایران در دهه اخیر، دست‌یابی به رشد اقتصادی بالا و ایجاد ظرفیت‌های جدید در جهت توسعه صادرات غیر نفتی می‌باشد؛ تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که علاوه بر تغییر ترکیب تولید به نفع بخش صنعت، صادرات نیز به سمت صادرات صنعتی متمایل بوده است. در این مقاله، اثر صادرات صنعتی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۶۰ بر اساس مقالات مبنا مورد بررسی قرار گرفته است؛ به این منظور در مقالات پایه، از روش حداقل مربعات معمولی OLS

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCI-conf.ir

استفاده گردیده است؛ نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اثر رشد صادرات صنعتی بر رشد تولید ناخالص داخلی، مثبت و معنادار است؛ همچنین ارتباط میان موجودی سرمایه و نسبت اشتغال به جمعیت، با رشد اقتصادی نیز مثبت و معنادار می‌باشد؛ رشد صادرات کالاهای صنعتی با ایجاد تقاضای اضافی می‌تواند تقاضای کل را افزایش دهد و موجب استفاده از ظرفیت‌های بالقوه واحدهای اقتصادی توسط تولیدکنندگان گردد؛ افزایش صادرات کالاهای صنعتی، تولیدکنندگان داخلی را ترغیب می‌کند که در جهت رقابت‌پذیری، به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، افزایش بهره‌وری، نوآوری و ارتقای کیفیت تولیدات خود تلاش بیشتری می‌نمایند و با جذب نیروهای انسانی کارآمد و متخصص در تولید این قبیل کالاهای، موجب افزایش تولید ناخالص داخلی و به‌تبع آن رشد اقتصادی می‌گردد؛ بنابراین از صادرات صنعتی می‌توان به‌عنوان منبعی جهت افزایش GDP استفاده نمود؛ از این‌رو توجه به صادرات صنعتی برای کشور دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد و شایسته است که بیش از پیش مورد استفاده قرار گیرد.

صنعتی شدن و توسعه اقتصادی بدون وجود آزادی تجاری، امری غیرممکن می‌باشد؛ بیشتر مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده این موضوع هستند که میان رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ فساد اقتصادی توسط کاهش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز افزایش موانع تجاری می‌تواند جهانی شدن را نیز تحت‌تاثیر قرار دهد.

منابع

- [۱] آهنگری، عبدالمجید، خرم زاده، آذین؛ (۱۳۹۱). بررسی اثر تغییرات ساختار قصادی بر تولید ناخالص داخلی ایران با تاکید بر تولید، صادرات و بهره‌وری نیروی کار"، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۸۸-۷۹.
- [۲] بختی، رسول، موسوی محسنی، رضا، جعفری، سمیه؛ (۱۳۹۱)، "بررسی اثر صادرات بر رشد اقتصادی ایران یک الگوی تعادل عمومی محاسباتی WiFi"، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره باب مهندسی، صفحات ۴۰-۱۷.
- [۳] بهرامی، جابر؛ (۱۳۹۱)، اثر تجارت خارجی بر رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- [۴] تقی پور، انوشیروان، موسوی آزاد کسمایی، افسانه؛ (۱۳۸۰)، "بررسی رابطه بین متنوع‌سازی و ثبات درآمدهای صادراتی ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۰، ص ۹۵-۶۳.
- [۵] دژپسند، فرهاد، صبوری، حسین؛ (۱۳۸۷)، "تاثیر سیاست توسعه صادرات بر رشد بخش غیر نفتی ایران"، علوم اقتصادی، سال ۱، شماره ۳، ص ۴۴-۴۵.
- [۶] سلطانی، الیزابت؛ (۱۳۸۸)، "نقش بهره‌وری در رشد اقتصادی و توسعه صادرات غیرنفتی (مطالعه موردی: استان فارس)"، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، سال ۹، شماره‌های ۹۵ و ۹۶.
- [۷] شاکری، عباس؛ (۱۳۹۱)، "تولید ملی صادرات‌گرا و موانع فرآوری آن در نظام‌های تجاری و ارزی ایران"، مجموعه مقالات همایش چالش‌های تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ص ۱۸۸-۱۷۵.
- [۸] شاکری، عباس، مالکی، امین؛ (۱۳۸۹)، "آزمون رابطه رشد صادرات غیر نفتی و رشد اقتصادی در ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۸، شماره ۵۶، ص ۲۶-۵.
- [۹] طیبی، کمیل، اربابیان، شیرین؛ (۱۳۸۲)، "اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت آموزش عالی بر عرضه صادرات صنعتی در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۶، ص ۲۲-۱.
- [۱۰] طیبی، کمیل، عمادزاده، مصطفی، شیخ بهایی، آزیتا؛ (۱۳۸۷)، "تاثیر صادرات صنعتی و سرمایه انسانی بر بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی در کشورهای عصر OIC"، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۰۶-۸۵.
- [۱۱] عطر کار روشن، صدیقه؛ (۱۳۸۶)، "گسترش صادرات و رشد اقتصادی، شواهدی از ایران پس از انقلاب"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۱۳۴-۱۱۱.
- [۱۲] عظیمی، رضا؛ (۱۳۷۹)، "بررسی اثرهای صادرات غیر نفتی بر رشد اقتصادی در ایران"، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، شماره‌های ۵۶ و ۵۷، ص ۵۰-۲۷.



[۱۳] علیجانی، فاطمه، همایونی فر، مسعود، کرباسی، علیرضا، مسنن مظفری، مهدیه؛ (۱۳۸۹)، "اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشاورزی و صنعتی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۴، ص ۱۷-۱.

[۱۴] متوسلی، محمود؛ (۱۳۷۸)، "بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی بر اساس آزمون علی گرنجر"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۲، ص ۴۵-۱۵.

[۱۵] معزز، فاطمه، ترکمانی، جواد، باقری، مهرداد؛ (۱۳۸۶)، "تاثیرات صادرات محصولات سنتی بر صادرات غیر سنتی و رشد اقتصادی ایران"، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی، مشهد.

[۱۶] معمارنژاد، عباس، امام وردی، قدرت، شایسته، افسانه؛ (۳۸۸)، "بررسی اثر تنوع صادراتی بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی (۱۳۸۵-۱۳۵۸)"، علوم اقتصادی، سال ۱، شماره ۳، ص ۱۰۰-۸۵.

[۱۷] محنت‌فر، یوسف، خاکپور، حسین؛ (۱۳۸۴)، "ارزیابی میزان صادرات غیر نفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران، یک تحلیل تجربی (۱۳۸۳-۱۳۵۵)"، مجله اقتصادی، سال ۵، شماره‌های ۱۲ و ۵۲، ص ۱۱۲-۹۱.

[۱۸] هادی زاده، آرش، عباسی، جعفر، زورکی، شهریار؛ (۱۳۹۰)، "تحلیلی بر نظریه صادرات منجر به رشد ایران"، سیاست‌های اقتصادی، نامه مفید، شماره ۸۴، ص ۷۴-۵۹.

[۱۹] هاشمیان اصفهانی، مسعود؛ (۱۳۷۸)، "تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جهت تقویت مزیت‌های نسبی صادران صنعتی"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

[۲۰] یغمایان، بهزاد؛ (۱۳۸۱)، "بررسی تجربه رابطه میان صادرات، توسعه و رشد در کشورهای در حال توسعه: نقد بر نظریه نئوکلاسیکی رشد مبتنی بر صادرات"، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۱، ص ۴۴-۳.

[21] Andre, C.J. & Joel (2003), "Testing the Export Led Growth Hypothesis for Botswana: A Causality Analysis", University of Pretoria, Department of Economics, Working Paper, Series 20.

[22] Arnade, C. & U. Vasavada (1995), Causality between Productivity and Exports in Agriculture: Evidence from Asia and Latin America, Journal of Agricultural Economics, Wiley Blackwell, Vol. 46, No. 2, PP. 174-186.

[23] Azam Tuan Lonik, KU. (2006), "On the Relationship between Export and Economic Growth a Look at Malaysian Experience", 2nd Borneo Business Conference, University Sains Malaysia, 6-8 December.

[24] Christopher, Ehinomen & Daniel Oguntona Olalekan (2012), "Export and Economic Growth Nexus in Nigeria", Management Science and Engineering, Vol. 6, No. 4, PP. 132-142.

[25] Edwards, S. (1998), "Openness, Productivity and Growth: what Do We Really Know?", The Economic Journal, Vol. 108, No. 2, PP. 383-398.

[26] Herzer, D. (2005), "Manufacturing Export, Minding Export and Growth: Co-integration and Causality Analysis for Chile", German Institute for Economic Research.

[27] Kundu, A. (2013), "Bi-Directional Relationships between Exports and Growth: A Panel Data Approach", Journal of Economics and Development Studies, Vol. 1, No. 1, PP. 10-23.

[28] Lorde, T. (2011), "Export-led Growth: A Case Study of Mexico", International Journal of Business, Humanities and Technology, PP. 33-44.

[29] Reppas, P.A. & D.K Christopoulos (2005), "The Export-Output Growth Nexus: Evidence from African and Asian Countries", Journal of Policy Modeling, Vol. 27, PP. 929-940.

[30] Safdari, M., Mahmoodi, M. & E. Mahmoodi (2011), The Causality Relationship between Export and Economic Growth in Asian Developing Countries, American Journal of Scientific Research, Vol. 25, PP. 40-45.

[31] Shujaat, A. (2012), "Causality between Exports and Economic Growth: Investigating Suitable Trade Policy for Pakistan", Eurasian Journal of Business and Economics, Vol. 5, No. 10, PP. 91-98.

[۳۲] سلمانی بی شک، محمدرضا، اشکان، المیرا؛ (۱۳۹۳)، "اثر صادرات کالاهای صنعتی بر رشد اقتصادی ایران"، مجله اقتصادی، جلد ۱۴، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۶-۵.

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

[۳۳] باغبان پور، جواد، رحمانی، تیمور، لیثی، زینب، احمدی صنوبری، فاطمه؛ (۱۳۹۶). "بررسی تاثیر فساد اقتصادی بر صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه"، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۷، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶.

[۳۴] شریفی رنای، حسین، شعاعی، فروغ، میرفتاح، مریم، توکل نیا، محمدرضا؛ (۱۳۹۲). "فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی"، دوره ۴، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۱۰، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۵۸-۲۹.

[35] Zoghipoor, A. and Zibaei, M. (2010), "The effects of agricultural trade liberalization on key variables", Economic Research Journal, 3: 138-113.

[36] Amade, C. & U. Vasavada (1995), Causality between Productivity and Exports in Agriculture: Evidence from Asia and Latin America, Journal of Agricultural Economics, Wiley Blackwell, Vol. 46, No. 2, PP. 174-186.

[37] wikifeqh.ir

[۳۸] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم از دوره جدید، جلد ۱۱، ص ۱۷۱۵۰.

[۳۹] تانزی، ویتو، مساله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۸ ش ۱۴۹، ص ۱۸۲-۱۸۳.

[۴۰] دادگر، حسن و معصومی‌نیا، غلام‌علی، فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۱۶.

[۴۱] دادگر، حسن، رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۹۷-۱۱۶.

[۴۲] موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها پیامدها، پیشگیری و مقابله، تهران، موسسه تدبیر اقتصاد، بی تا، جلد دوم، ص ۱۳.

[۴۳] سلامتی، مرتضی و دیگران، بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۸۵، ش ۲۸، ص ۸۸.

[۴۴] موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها پیامدها، پیشگیری و مقابله، تهران، موسسه تدبیر اقتصاد، بی تا، جلد دوم، ص ۱۴-۱۸.

[۴۵] دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، بازشناسی مولفه‌های موثر بر اختلاس در ایران، تهران، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۷، ش ۲۵، ص ۱۲۰-۱۲۳.

[۴۶] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۲۰.

[۴۷] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۱۹.

[۴۸] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۱۹.

[۴۹] دادگر، حسن، رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۸۶.

[۵۰] مایورو، پائولو، فساد، سبب‌ها و پیامدهای آن، ترجمه عزیز کیاوند، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۷، ش ۱۳۳، ص ۱۴۸.

[۵۱] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۲۰.

[۵۲] دادگر، حسن، رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۸۸.

[۵۳] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۲۰.

[۵۴] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۲۰.

[۵۵] دادگر، حسن، رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۸۸.

[۵۶] دادگر، حسن، رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۸۳، ص ۸۶.

[۵۷] رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۲۲.